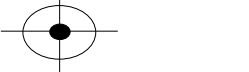


کیهان



امروزه به سبب دسترسی افشار مختلف به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، شبهات گوناگون بسیاری در فضای فکری جامعه منتشر می‌شود. این گونه شبهات بخش قابل‌توجهی از مردم را به خود مشغول کرده و بر نظام باورمندی و ارزشی آنان تأثیری ویران کننده می‌گذارد. متأسفانه عامل اصلی تأثیرگذار شیبهات، اعتدال ناموجه به منتهی‌شدن‌گان، ناآگاهی از معارف دینی و ضعیف بودن روحیه جست‌وجگری و پژوهش در میان مردم ماست. به باور ما اسلام کامل‌ترین و منطقی‌ترین دین الهی است و همه شبهات و پرسش‌هایی که درباره احکام و مسائل دینی مطرح می‌شود پاسخی روشن و متقن دارد؛ هرچند پاسخ به برخی از سوالات و شبهات، نیازمند تخصص در علوم اسلامی است. در نوشتار حاضر به یکی از شبهات مطرح شده درباره حقوق زن و مرد در اسلام‌اشاره کرده و پس از بررسی به نقد آن خواهیم پرداخت.

یکی از شبهات مطرح شده این است که در قرآن آیاتی وجود دارد که متناقض یا اشتباه به نظر می‌رسد. مثلا در آیه ۳۴ سوره نساء که به مسئله نشوز (نافرمانی) زن و جواز تأدیب او از سوی شوهر‌اشاره دارد، به این واقعیت توجه نشده است که در بسیاری از موارد، نافرمانی زن از روی حکمت و آگاهی است. از سوی دیگر بسیاری از دستورات مرد نیز ممکن است از روی نادانی بوده و عقل و شرع آن را تأیید نکند؛ در چنین مواردی چرا زن باید از شوهرش اطاعت کند؟ و چرا مرد در صورت نافرمانی زن می‌تواند او را بزند و به فرمانبرداری بازگرداند؟! از این رو نباید حق را همواره به مرد داد و به صورت مطلق تأدیب زن را جایز شمرد. اکنون ببینیم که اگر زن با نافرمانی شوهرش مواجه شد، از نظر قرآن چگونه باید عمل کند. قرآن می‌گوید که اگر مرد نافرمانی کرد، زن از صلح و آشتی دریابد؛ در اینجا دیگر حرفی از کتک زدن مرد توسط زن نیست. آیا این تناقضی در حکم نیست؟!

در پاسخ باید گفت سخن از تفاوت‌های تکوینی و طبیعی زن و مرد، سابقهٔ طولانی دارد. واقعیت آن است که تردیدی در قبح تبعیض وجود ندارد؛ در عین حال واقعیات عینی در تفاوت‌های زن و مرد، آنقدر روشن است که انکار آن، همچون انکار بدیهیات می‌نماید. این تفاوت‌ها تنها در تفاوت‌های جسمی و بدنی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه آنان از جهت روحی، عاطفی، تعقل و احساسات، نیز تفاوت‌های جسدی دارند. نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها در فرآیند تقسیم کار نه تنها غیرمنطقی و مخالف سیره عقلایی است، بلکه در پاره‌ای موارد طنزآمیز هم هست؛ چه اینکه برابری در شرایط نابرابر، ظلم محسوب می‌شود.

زن و مرد در حقوق عمومی و حقوق انسانی برابرند؛ اما آیا با توجه به تفاوت‌های موجود و غیرقابل‌انکار و غیرقابل‌زوال نباید هیچ‌گونه تقسیم‌کار، وظیفه و اختصاصی کارکرده در میان باشند؟! قرآن هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی و ارزشی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست؛ گرچه با توجه به تلازم حق و تکلیف، ممکن است به دلیل تکالیف بیشتری که آن هم بر اساس استعدادهای متفاوت زن و مرد، بر عهده مردان نهاده است، احيانا اختیارات بیشتری نیز برای آنها قائل شده باشد.

خاستگاه تفاوت میان زن و مرد

نگرش متعادل قرآن نه تغطیر را برمی‌تابد و نه افراط را. از نظر قرآن زن و مرد در سلسلَتّ برابرند و این برابری در آیات متعدد به چشم می‌خورد. پرواض است که ملاک قضاوت همه آیات قرآن و همه سنت است. ولی در عین حال زن و مرد از دو گونه خلقت برخوردارند. این دوگانگی از ساختار جسمانی و عاطفی آن دو سرچشمه گرفته است.^(۱)

زنان بیشتر تابع احساسات و مردان تابع عقلدند. بسیار دیده شده که زن‌ها از لحاظ هوش نه فقط با مردان برابری می‌کنند، بلکه گاهی در این زمینه از آنها برترند اما مردان معمولا سازمان دهندهٔ بهتری هستند، بهتر مدیریت می‌کنند. پس برتری روحی مردان بر زنان چیزی است که ملاحظ آن طبیعت است. زنان باید این حقیقت را قبول کنند که به نظارت مردان در زندگی‌شان احتیاج دارند^(۲).

***محروربودن تشکیل خانواده در اندیشه قرآن و تأمین این هدف چه بسا ممکن است برخی اختلافات حقوقی بین زن و مرد را موجب شود. تفاوت‌های جنسیتی، واقعیت‌هایی حکیمانه‌اند که تدبیر الهی، آن را به عنوان بخشی از نظام احسن قرار داده است.**

*** از دیدگاه قرآن، همانطور که تکلیف انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد اطاعت نماید. البته ریاست مرد به هیچ وجه استبدادی نیست؛ بلکه مدیریتی حکیمانه است.**

محروربودن تشکیل خانواده در اندیشه قرآن و تأمین این هدف چه بسا ممکن است برخی اختلافات حقوقی بین زن و مرد را موجب شود. تفاوت‌های جنسیتی، واقعیت‌هایی حکیمانه‌اند که تدبیر الهی، آن را به عنوان بخشی از نظام احسن قرار داده است.

حق و تکلیف بر اساس توانایی‌ها

تلازم حق و تکلیف از یک سو و محرومیت و معافیت از سوی دیگر سبب برقراری توازن حقوقی می‌گردد. برای مثال، نسبت به تمکین، مرد

مطلب حاضر کسه در دو بخش تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود به بررسی نقش انمه اهل بیت(ع) در حفظ و حراست از دستاوردهای اسلام محمدی و توسعه علم و تمدن اسلامی در زمان صحابه و تابعان می‌پردازد و در نهایت خدمات فراوان ارزشمند فرهنسازان و پروروی و رشد علم و تمدن و یادگاو می‌کند.

این مطلب که از سلسله برنامه‌های پرسش و پاسخ آیت‌الله جعفر سبحانی است، از ماهنامه مکتب اسلام شماره‌های ۶۵۹ و ۶۶۰

سوی‌ا مطرح شده و آن اینکه انمه اهل بیت(ع) و پیروان آنها چه خدماتی به اسلام انجام دادند، در حالی که صحابه با جهاد خود اسلام را در جهان منتشر ساختند؟

در پاسخ پیش از آنکه به نقش انمه در پیشرفت اسلام و صیانت از آن تحریف اشاره کنیم، نکته‌ای را یادآور می‌شویم:

جهاد؛ یکی از درهای بهشت است که خداوند، آن را به روی بندگانش گشوده است^(۱). ولی در عین اهمیت این موضوع باید توجه کرد که همه وظایف در جهاد خلاصه نمی‌شود، در کنار نبرد با دشمنان و رفع موانع برای انتشار اسلام، کارهای فرهنگی و تربیتی و حفظ مسلمین از انحراف و سستی یک جامعه صددرصد اسلامی از اهم وظایف است، در این صورت نباید خدمات ارزشمند فرهنگسازان و مربیان و معلمان واقعی را نادیده گرفت و تنها چشم به شمشیر جهادگران دوخت.

با توجه به این اصل، اکنون نقش انمه را در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام، به صورت موجز بیان می‌کنیم.

عصر رسول خدا(ص)

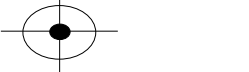
در عصر رسول خدا(ص) امیر مومنان علی(ع) که امام نخستین شیعیان است، در کنار رسول خدا (ص) بوده و نخستین فردی است که به او ایمان آورده^(۲)، و در ۲۷ غزوه که رسول خدا(ص) نیز در آن شرکت داشت، امیر مومنان مشارکت کرده و با قدرت هرچه تمام‌تر دشمن را تار و مار می‌ساخت.

در نبرد خندق، آنگاه که نعره‌های خشمگین قهرمان شُرک، عمروبن عبیدو لرزه بر اندام سپاه اسلام انداخته بود و او بیپای مبارز می‌طلبید، تنها علی(ع) بود که به نای او پاسخ گفت و با ضربت خود، شر این دشمن را از سر مسلمانان کوتاه کرد و در شأن این جهاد بود که پیامبر فرمود: «لمبارزه علی بن ابی طالب لعمرو بن عبیدو افضل من اعمال امتی الی یوم القیامه»^(۳). پیکار علی بن ابی طالب در جنگ خندق با عمرو بن عبیدو از اعمال امت من تا روز قیامت ارزشمندتر است.

قلعه‌های خیبر، دارای استحکامات بسیار و تجهیزات دفاعی فراوان بود و مردان جنگی پهلو، به شدت از آنها دفاع می‌کردند، ولی متأسفانه برچمداران اسلام که برای فتح قلعه مامور شدند، یکی پس از دیگری یا به قتل گناشته و به ستاد سپاه اسلام بازگشتند. تحمل این وضع برای سول خدا(ص) بسیار سنگین بود؛ حضرت با مشاهده این وضع، فرمود: «فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خداوند این دژ را به دست او می‌گشاید. کسی که خدا و رسول خدا را دوست دارد و خدا و رسولش نیز او را دوست دارند، او بیپای حمله می‌برد و هرگز از برابر دشمن فرار نمی‌کند و خدا به دست او قلعه را می‌گشاید»^(۴)

عصر پس از پیامبر(ص)

پس از درگذشت پیامبر اسلام(ص) رویدادهای ناگواری برای اهل بیت(ع) رخ داد که اینجا جای بازگویی آنها نیست. انمه اهل بیت(ع) از حق خود محروم شدند، ولی در عین حال، آنان از آنچه در دست داشتند، نسبت به اسلام و مسلمین نه تنها مضایقه نکردند، بلکه پیشوای امامان علی بن‌ابی‌طالب(ع) در ۲۵ سال سکوت پر راز و رمز خود، خدمات بزرگی انجام داد که هرگز نمی‌توان آنها را با جهاد یک فرد در میدان نبرد مقایسه کرد و ما در اینجا به گوشه‌های



***تلازم حق و تکلیف از یک سو و محرومیت و معافیت از سوی دیگر سبب برقراری توازن حقوقی می‌شود. برای مثال، نسبت به تمکین، مرد دارای حسق و زن عهده‌دار تکلیف است و متقابلا نسبت به نفقه، زن دارای حق و مرد عهده‌دار تکلیف است.**

درای حق و زن عهده‌دار تکلیف است و متقابلاً نسبت به نفقه، زن دارای حق و مرد عهده‌دار تکلیف است. توجه به این نکات، توهم ظالمانه و تبعیض آمیز بودن اختلافات حقوقی زن و مرد در نظام حقوقی اسلام را ازبین می‌برد.^(۱)
خداوند متعال این عدالت و توازن حق و تکلیف را با بهترین و کوتاه‌ترین عبارت، بیان کرده است: «برای زنان همانند حقوقی است که برای مردان بر عهده آنان است»^(۲)

پس از انعقاد قرارداد نکاح، هریک از زوجین حقوق و تکالیفی در مقابل یکدیگر پیدا می‌کنند^(۳) و عدالت اقتضا می‌کند که حقوق و تکالیف بر اساس توانایی‌های روحی، طبیعی و جسمی آنها تقسیم شود. البته در بسیاری از کشورها، تأمین هزینه زندگی مشترک و تکلیف انفاق، تعهدی دو جانبه است و زن و شوهر هر دو مکلف به کسب درآمد و تأمین هزینه خانواده هستند. اما از نظر قرآن تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن بر عهده مرد است و زن از این نظر هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد. از این رو تکلیف مرد در دادن نفقه زن، تکلیفی یک جانبه است. حتی اگر زن دارای ثروت زیادی هم باشد، مجبور نیست که از اموال شخصی خود، مایحتاج زندگی خود را تأمین کند.

***محروربودن تشکیل خانواده در اندیشه قرآن و تأمین این هدف چه بسا ممکن است برخی اختلافات حقوقی بین زن و مرد را موجب شود. تفاوت‌هایی حکیمانه‌اند که تدبیر الهی، آن را به عنوان بخشی از نظام احسن قرار داده است.**

*** از دیدگاه قرآن، همانطور که تکلیف انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد اطاعت نماید. البته ریاست مرد به هیچ وجه استبدادی نیست؛ بلکه مدیریتی حکیمانه است.**

*** از دیدگاه قرآن، همانطور که تکلیف انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد اطاعت نماید. البته ریاست مرد به هیچ وجه استبدادی نیست؛ بلکه مدیریتی حکیمانه است.**

چارچوب اطاعت از شوهر
وجوب اطاعت زن از شوهر مطلق نیست؛ بلکه فقط در خصوص مسائل زناشویی است. معیار وجوب اطاعت برای زن، هماهنگی فرمان مرد با دین خداست. بنابراین بر زن واجب است در امور زناشویی فرمانبردار مرد باشد و در شئون زندگی خانوادگی، هرجا و هرکاری که موافق اوامر الهی نباشد، نباید خواسته شوهر را اطاعت کند. از سوی دیگر زن می‌تواند با شرط ضمن عقد، دامنه وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق

از خدمات آن امام عزیز اشاره می‌کنیم.

۱. صیانت قرآن از اختلاف قراءات

قرآنی که هم اکنون مسلمانان در مورد قرآن دارند، از طریق حفص از عاصم به امیر مومنان علی(ع) (رسد)^(۱) و این، یکی از افتخارات امام است که با قرائت خود، قرآن را از تشویش و پراکندگی قرائت‌ها حفظ کرد.

۲. تفسیر قرآن

پیامبر گرامی اسلام(ص) علاوه بر تلاوت قرآن، مأمور به تبیین آن بود، چنانکه می‌فرماید:

«قرآن را بر تو فرود فرستادم تا آنچه را برای مردم نازل شده است، بیان و آشکار نمایی تا آنان ببیندشند. (تحل/۴۴)

یکی از بزرگ‌ترین خدمات امیرمومنان، تفسیر قرآن است و آن حضرت، برجسته‌ترین مفسر جهان اسلام به نام ابن‌عباس را که او را ترجمان القرآن می‌نامند، تربیت کرده است.

اهل بیت (ع)

و

تمدن

اسلامی

آیت‌الله جعفر سبحانی

پس از درگذشت پیامبر اسلام(ص)

انمه اهل بیت(ع) از حق خود محروم شدند، ولی

در عین حال، آنان از آنچه در دست داشتند، نسبت

به اسلام و مسلمین نه تنها مضایقه نکردند، بلکه

پیشوای امامان علی بن‌ابی‌طالب(ع) در ۲۵ سال

سکوت پر راز و رمز خود، خدمات بزرگی انجام

داد که هرگز نمی‌توان آنها را با جهاد یک فرد در

میدان نبرد مقایسه کرد.

۳. حدیث پیامبر(ع)

حدیث و سنت پیامبر بسان قرآن، حجت است، با این تفاوت که لفظ و معنای قرآن، هر دو از جانب خداست، اما حدیث از نظر معنی، از آن خدا و لفظ آن از پیامبر است. قرآن به منزله قانون اساسی است که متکفل بیان کلیات است، در حالی که سنت، شراخ و بیانگر وظایف مسلمانان در عقیده و احکام می‌باشد. متأسفانه پس از درگذشت پیامبر(ص) به علی که در اینجا مجال بازگویی آنها نیست، نقل حدیث و کتابت آن ممنوع شد و از این طریق ضربه مهلکی بر نمیمی از میراث فرهنگی اسلام وارد شد، ولی امیر مومنان تنها کسی بود که به رغم این بخشنامه به آن اعتنا نکرد و کتاب علی(ع) – که حاوی

معارف

Maaref@Kayhan.ir

و اختیارات شوهر را کوتاه سازد.^(۵)

از این جهت، زنان تا آن حد موظف به اطاعت از شوهر هستند که مربوط به حقوق همسران است و هرگز مردان، حق دخالت در اموال و درآمدهای اقتصادی زنان را ندارند و حتی وظیفه رسیدگی به کارهای شخصی شوهر، اعم از تهیه غذا یا شستن لباس و غیره نیز بر عهده آنان نیست. بدین جهت، موضوع ریاست شوهر و اطاعت زن از او محدود می‌شود به گراهایی که با حق شوهر منافات داشته باشد^(۶).

اسلام و توازن در حقوق همسران



*** خداوند به دو سبب سرپرستی و نگاهبانی نسبت به امور خانه را برعهده شوهر نهاده است: ۱. برتری و مدیریت عقلانی مرد ۲. عهده‌داری تأمین تمامی هزینه‌ها عم از هزینه‌های اختصاصی زن و نیازهای منزل. بنابراین اگر مردی این دو صفت را نداشت یا از دست داد یا به وظیفه‌اش عمل نکرد، دیگر قِیم منزل نخواهد بود و ولایتش بر خانواده رخت برمی‌بندد.^(۱) همچنین اگر وضعیت خانواد‌ه‌ای به عکس باشد؛ یعنی هوش و ادراک و قدرت تدبیر زنی بیش از شوهرش باشد، دلیلی ندارد که مرد فرمانروای خانواده باشد.^(۲) یا به هر دلیل دیگر اگر شوهر هنر مدیریت یا توان تدارک هزینه‌ها را نداشته باشد و مایه ناآرامی‌ها را زن در خانه شود، او می‌تواند نزد حاکم شرع دادخواهی کند؛ اگر چنانچه با نصیحت، تشویق و تهدید، اصلاح نشد و زندگی در آن وضعیت برای زن تحمل‌پذیر نبود، مرد را به طلاق وامی‌دارد و اگر از اجرای آن خودداری کرد حاکم شرع زن را طلاق می‌دهد.^(۳)**

*** خداوند به دو سبب سرپرستی و نگاهبانی نسبت به امور خانه را برعهده شوهر نهاده است: ۱. برتری و مدیریت عقلانی مرد ۲. عهده‌داری تأمین تمامی هزینه‌ها عم از هزینه‌های اختصاصی زن و نیازهای منزل. بنابراین اگر مردی این دو صفت را نداشت دیگر قِیم منزل نخواهد بود و ولایتش بر خانواده رخت برمی‌بندد.**

وجوب اطاعت زن از همسر در امور زناشویی هم در صورتی است که زن عذر موجهی از قبیل بیماری و ماندن آن نداشته باشد. این امر هم طبیعی است که مرد در برابر ارائه خدمات مالی، نیازهای مشروعش برآورده شود. طبیعت این قنیده هم به گونه ای است که جز با لزوم و وجوب اطاعت تأمین نمی‌شود؛ زیرا اگر به میل و رغبت و رضایت زن واگذار شود، ممکن است مورد بی‌رحمتی و بیانه‌جویی قرار گیرد و آرامش روانی مرد، مختل و در نتیجه بنیان خانواده سست شود.

مدیریت حکیمانه، نه استبدادی

از دیدگاه قرآن، همانطور که تکلیف انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده مطابق آیه ۳۴ سوره نساء، «الَّذِیْنَ قَوَّامُونَ عَلَی النِّسَاءِ بِمَا قَفَّلَ اللهُ... وَ بِنَافِقُوْنَ... وَ الَّذِیْ تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ» بر عهده مرد نهاده شده است، زن نیز در مقابل مکلف شده تا از مرد اطاعت نماید. البته ریاست مرد به هیچ وجه استبدادی نیست؛ بلکه مدیریتی حکیمانه است.^(۴)

بنابراین، ریاست مرد مطلق نیست و مستند به مصالح حکیمانه و عاقلانه است و هرگز تحقیر زن یا تضعیف حقوق او نخواهد بود.^(۵)

خدمت‌رسانی و امور اجرایی، جلوه‌های گوناگونی دارد. گاهی مردان توانا‌ترند و زمانی زنان موفق‌تر؛ در کشورهایی که نسبت به زن راه افراط را پیموده‌اند و هم‌اکنون فمینیسم را پشت سر نهاده و به پشت فمینیسم رو کرده و از همه امکانات برای بی‌بند و باری زنان سوءاستفاده کرده‌اند، باز نتوانست‌اند مدیریت‌های مهمم را بر عهده زنان بگذارند. آنان نیزس در میدان واقعیت‌های



بخش اول

موارد بی‌شماری اعتراف کرده است.^(۶)

۵. مناظره با رهبران اهل کتاب

پس از درگذشت پیامبر گرامی اسلام(ص) صدای اسلام در جهان متمدن پیچیده بود. دانشمندان کیش یهود و نصاری، سراسیمه روانه مدینه می‌شدند تااز این آیین جدید و دلایل آن، آگاه شوند و مهم‌ترین هدف آنان، در تنگنا قرار دادن مسلمانان و بازگرداندن آنان از دین خود بود. آنان با آگاهی‌های گسترده از عهد متیق و عهد شریع، روانه «المقزای اسلام» مدینه منوره می‌شدند. متأسفانه دستگاه خلافت، کوچک‌ترین اطلاعاتی در مورد پاسخ به پرسش‌های آنان نداشت و تنها کسی که به داد آنان می‌رسد، امام علی بن ابی‌طالب(ع) بود و شواهد این مسئله به اندازه‌ای است که نیازی به بیان ندرت^(۷).

۶. جلوگیری از تحریف اسلام

پس از درگذشت پیامبر(ص) گروهی از دانشمندان یهود و مسیحی به ظاهر اسلام آوردند، ولی افسانه‌های اسرائیلی و عقاید مسیحی را زیرکانه در میان مسلمانان ترویج و خود را به عنوان عالمان شرایع پیشین معرفی می‌کردند. برائز همین القابات، مسئله تشبیه و تجسیم خدا و یا جبر انسان در اعمال خود، پدید آمد که همگی بر خلاف صریح قرآن و داوری خرد است، متأسفانه هنوز هم در کتاب‌های حدیثی، اساطیر اسرائیلی و مسیحی و مجوسی فراوان است و کتاب «توحید این خزیمه» نمونه‌ای از این کتاب‌هاست که امروز هم به وسیله سلفی‌ها چاپ و منتشر می‌شود.

امیر مومنان علی(ع) با خطبه‌های خود، درباره توحید و عدل، داد سخن

معارف

*** در بسیاری از کشورها، تأمین هزینه زندگی مشترک و تکلیف انفاق، تعهدی دو جانبه است و زن و شوهر هر دو مکلف به کسب درآمد و تأمین هزینه خانواده هستند. اما از نظر قسران تأمین هزینه خانواده و از جمله مخارج شخصی زن بر عهده مرد است و زن از این نظر هیچ‌گونه مسؤولیتی ندارد. از ایسن رو تکلیف مرد در دادن نفقه زن، تکلیفی یک جانبه است. حتی اگر زن دارای ثروت زیادی هم باشد، مجبور نیست که از اموال شخصی خود، مایحتاج زندگی خود را تأمین کند.**

اجتماعی فهمیدند که مأموریت‌های سنگینی بسان فرماندهی جنگ، رهبری جامعه و داوری در محاکم جنایی، از روح لطیف زن ساخته نیست.^(۱)

تدبیر و حکمت ملاک برتری

«یا» در «بِمَا قَفَّلَ اللهُ» و «بِمَا أَنْقَضُوا»^(۱) برای سببیت است؛ یعنی خداوند به دو سبب سرپرستی و نگاهبانی نسبت به امور خانه را برعهده شوهر نهاده است: ۱. برتری و مدیریت عقلانی مرد ۲. عهده‌داری تأمین تمامی هزینه‌ها اعم از هزینه‌های اختصاصی زن و نیازهای منزل. بنابراین اگر مردی این دو صفت را نداشت یا از دست داد یا به وظیفه‌اش عمل نکرد، دیگر قِیم منزل نخواهد بود و ولایتش بر خانواده رخت برمی‌بندد.^(۲) همچنین اگر وضعیت خانواد‌ه‌ای به عکس باشد؛ یعنی هوش و ادراک و قدرت تدبیر زنی بیش از شوهرش باشد، دلیلی ندارد که مرد فرمانروای خانواده باشد.^(۳) یا به هر دلیل دیگر اگر شوهر هنر مدیریت یا توان تدارک هزینه‌ها را نداشته باشد و مایه ناآرامی‌ها را زن در خانه شود، او می‌تواند نزد حاکم شرع دادخواهی کند؛ اگر چنانچه با نصیحت، تشویق و تهدید، اصلاح نشد و زندگی در آن وضعیت برای زن تحمل‌پذیر نبود، مرد را به طلاق وامی‌دارد و اگر از اجرای آن خودداری کرد حاکم شرع زن را طلاق می‌دهد.^(۴)

چنانچه زنی خواهد یا ناداری شوهر بسازد، زهی فضیلت و صفاست؛ ولی اگر نتوانست بسازد، نباید او را وارد کند که با شقاق مستمر، دست به گریبان باشد و پیامدهای دشسواری بدتر از طلاق داشته باشد؛ چون شوهر را می‌توان به طلاق واداشت؛ این در فرضی است که مشکل، تنها اقتصادی باشد؛ ولی اگر فزون بر فقر خانوادگی، جوانی زن و زمینه آلودگی به فساد هم فراهم باشد، یقیناً تلاقیش جایز است؛ بلکه باید او را آزاد کنند تا همسر دیگری برگزیند.^(۵)

■ مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم

- مطهری، مرتضی.** نظام حقوق زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا،۱۳۸۷ ه ش، ص ۲۵.
- همان، ص ۱۸۳.**
- گروه مؤلفان ، درسنامه فلسفه حقوق، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه ش، ص ۱۸۹.**
- بقره ، ۲۲۸**
- قانون مدنی ایران ، ماده: ۱۱۰۲.**
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم،اسرائ، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه ش، ج ۱۸، ص ۵۵۶.**
- خوبی، سید ابوالقاسم ، منهاج الصالحین، نشر،مدرینه‌العلم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه ق، ص ۲۸۹.**
- ال زحلی، وهبه، الاسره المسلمه، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰ ه ق، ص ۸۲.**
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان ، قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ پنجم ، ۱۴۱۷ ه ق ، ج ۴ ، ص ۲۴۷.**
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم،اسرائ، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه ش، ج ۱۸، ص ۵۵۴.**
- نساء ، ۲۴.**
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم،اسرائ، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه ش، ج ۱۸، ص ۵۴۵.**
- همان ، ص ۵۵۲.**
- همان ، ص ۵۵۷.**
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوقتی،نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ه ق ، ج ۶ ، ص ۱۱۶.**

قرآن به منزله قانون اساسی است که متکفل بیان کلیات است، در حالی که سنت، شراخ و بیانگر وظایف مسلمانان در عقیده و احکام می‌باشد.

متأسفانه پس از درگذشت پیامبر(ص) نقل حدیث و کتابت آن ممنوع شد و از این طریق ضربه مهلکی بر نمیمی از میراث فرهنگی اسلام وارد شد، ولی امیر مومنان تنها کسی بود که به رغم این بخشنامه به آن اعتنا نکرد و کتاب علی(ع) – که حاوی احادیثی است که آن حضرت از پیامبر شنیده و در آن بسیاری از مسائل مربوط به اسلام، در هر دو قلمرو (عقیده و شریعت) ذکر شده است– نسل به نسل در اختیار

انمه اهل بیت(ع) قرار داشت.

داد، عقیده اسلامی را در تزویه از هر نوع تشبیه و تجسیم بیان فرمود و با تفسیر صحیح از قضا و قدر، آزادی انسان را در عمل تثبیت کرد و لذا متکلمان اسلامی، خود را رهین خطبه‌های امیر مومنان و مذاکرات او می‌دانند.^(۱)

نظری به خطبه‌های امام در نهج‌البلاغه این مطلب را روشن می‌سازد.

الگوی از حکومت اسلامی پس از پیامبر(ص)

در دوران خلافت خلفه سلیقه‌ها، تمایلات و مصلحت‌اندیشی‌ها سبب شد که بسیاری از اصول اسلام در اداره جامعه نادیده گرفته شود، تا آنجا که در دوره خلافت خلیفه سوم، جامعه به انفجار کشیده شد. مسلمانان از نقاط مختلف وارد مدینه شدند و از وی درخواست کردند که حاکمان ظالم را از تمام بلاد فرا خواند و حکومت را به دوران پیشین باز گرداند، ولی دست‌هایی در داخل دستگاه خلافت، سبب شد که خلیفه پاسخ منفی به درخواست آنان بدهد و سرانجام جان خود را در این راه از دست داد. مردم جنازه خلیفه را در خانه خویش رها کرده و همگی به خانه علی(ع) روی آوردند تا زمام خلافت را در دست گیرد و بر این هرج و مرج و مال‌اندوزی و فامیل‌بازی خاتمه دهد. امام در دوران حکومت پنج ساله خود، الگوی زیبایی از حکومت را در پنج سال تنظیم کرد که می‌توانست برای هرمان بعدی اسوه و الگو باشد.

البته خدمات امام منحصراً به این چند نمونه نیست و هرگز این صفحات گنجایش بررسی دیگر مطالب را ندارد.

- اقتباس از خطبه امیرمومنان(ع) درباره جهاد، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷.
- پیامبر گرامی(ص) فرمود: «ولکم ورودا علی النحوض اولکم اسلاما علی بن ابی‌طالب»المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶، السیره الحلییه، ج ۱، ص ۲۸۵.
- المستدرک علی الصحیحین، تحقیق عبدالرحمن عمرش، ج ۳، ص ۳۲، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ هـق.
- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۱، مکتبه محمد علی صبیح، قاهره؛ استیعاب، ج ۳، ص ۳۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- فرانت عاصم بن بلده کوفی، متوفای ۱۲۸ هـ، به امیر مومنان(ع) منتهی می‌شود و او دو راوی دارد: یکی حفص و دیگری ابوبکر (البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۲۰).
- ذخائر العقبی، ص ۱۲۰، الریاض النضرة، ج ۳، ص ۱۴۳ و کنزالعمال، ج ۵، ص ۸۳۰، حدیث ۱۴۵۰۸.
- رکذ: عرائش المجالس، تألیف ابواسحاق ثعلبی (متوفای ۴۲۷)، ص ۴۱۶-۴۱۷.
- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ص ۱۱۷، امالی مرتضی، ج ۱، ص ۱۴۸.

صفحه ۸

شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۶

۲۳ محرم ۱۴۲۹ – شماره ۳۱۷۴۵



چراغ راه

آثار تمسک به امام حسین(ع) و اهل بیت(ع)

قال الامامالحسین(ع): «من اتانا لم یعدم خسله من اربع: آیه محکمّه، و قضیه عادلّه، و احّ مستفادّه، و مجالسه العلماء»
امامحسین(ع) فرمود: هرکس به نزد ما (خاندان اهل‌بیت(ع)) آید، چهار خلصت را از دست نمی‌دهد (حافظ از چهار چیز بهره‌مند می‌گردد) ۱- نشانه‌های محکم و استوار می‌شوند ۲- از قضاوتی عادلانه برخوردار می‌گردد ۳- با برادری سومند و برفایده روبرو خواهد شد ۴- اجر و پاداش مصاحبت و هم‌نشینی با علما و دانشمندان را خواهد برد. ^(۱)

۱- کشف الغم، ج ۲، ص ۲۰۸



حکایت خوبان

جنگیدن به خاطر نماز

ابونامه در ظهر عاشورا به امامحسین(ع) عرض کرد: ای آقای من! ظهر شده دوست دارم آخرین نماز جماعت اول وقت را به شما اقتدا کنم. امامحسین(ع) در جواب او فرمود: ای ابونامه! خداوند تو را از نمازگزاران و ذاکران قرار دهد که نماز اول وقت را به یاد آوردی. مرد جوانی که آنجا بود خندید و گفت: شوخی می‌کنید؟ در این گیر و دار جنگ چه جای نماز خواندن است؟ مگر نمی‌بینید که از هر طرف تیر پرتاب می‌کنند، خطرناک است. امامحسین(ع) که آماده نماز می‌شد به او گفت: مگر نمی‌دانی که جنگ ما برای چیست؟ وقتی این حرف را از امام(ع) شنید، آخرین نماز جماعت را با آن حضرت خواند. همین که نماز جماعت به پایان رسید آن مرد عرب و سعیدبن عبدالله هر دو به زمین افتادند. دهها تیر بر بدنشان اصابت کرده و دیگر رمقی برایشان نمانده بود. امامحسین(ع) نیز بر بالین او حاضر شد. آن مرد عرب که نفسهای آخر را می‌کشید گفت: امیدوارم دین خود را به نماز ادا کرده باشم. این را گفت و پلکهایش روی هم افتاد. حقا که کشته را نماز بود. ^(۱)

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۶